

بررسی نظام حقوقی رأی داوری بازرگانی بین‌المللی: مطالعه تطبیقی حقوق ایران و قواعد داوری آنسیترال

دکتر مجید سربازیان^۱

میترا احمدی^۲

تاریخ پذیرش ۹۵/۴/۲۲

تاریخ دریافت ۹۴/۷/۲۹

چکیده

موضوع این تحقیق بازشناسی رأی از سایر تصمیمات داوری و نیز بررسی مراحل انشاء، ابلاغ و آثار رأی در نظام داوری بازرگانی بین‌المللی ایران و قواعد داوری آنسیترال است. از آنجاکه دیوان داوری در طول داوری تصمیمات مختلفی اتخاذ می‌کند و نیز به دلیل آن که آثار حقوقی رأی از سایر تصمیمات متفاوت و متمایز است. از این رو، شناخت نظام حقوقی رأی داوری امری ضروری است. نظر به این که قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران از قانون نمونه آنسیترال اقتباس شده و این قانون در تنظیم بسیاری از مواد خود از قواعد داوری آنسیترال الهام گرفته است و از آنجاکه علاوه بر تفاوت دادرسی قضایی و داوری در خصوص نظام حقوقی حاکم بر صدور رأی، انواع و آثار آن، فی‌مابین مقررات داوری تدوین شده در این خصوص، در کنار شباهت زیاد، تفاوت نیز وجود دارد. در این نوشتار سعی بر شناخت وجوه افتراق و اشتراک رأی داوری در قانون داوری تجاری ایران و قواعد داوری آنسیترال شده است. برخلاف قانون داوری تجاری بین‌المللی، قواعد داوری آنسیترال صراحتاً به اختیار دیوان داوری جهت صدور آرای متعدد در موضوعات مختلف تصریح کرده است. قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران با قواعد داوری آنسیترال در امور شکلی علی‌رغم شباهت بسیار زیاد، تفاوت‌هایی نیز دارند. هر دو سند بین‌المللی در خصوص محتوای رأی از یک سبک پیروی نموده و نوشتن رأی موجزتری را که متضمن حقایق کم تری باشد را در نظر گرفته است.

sarbazian20@gmail.com

^۱ مجید سربازیان، استادیار حقوق خصوصی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

^۲ میترا احمدی، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه قم

برخلاف قانون داورى تجارى بين المللى ايران، قواعد داوری آنستیرال حاوی مقررات جامع و کاملی در خصوص هزینه‌های رأی داورى است. علمى رغم سکوت قانون گذار ایرانی در خصوص جواز انتشار یا عدم انتشار آرای داورى، قواعد داوری آنستیرال تصریح نموده که رأی می‌تواند با رضایت طرفین یا حتی بدون رضایت آن‌ها ولی به طور مشروع و قانونی راه خود را در عرصه عموم پیدا نماید. در هر دو سند بین المللی نصی در خصوص مهلت ابلاغ رأی، کیفیت و نحوه ی ابلاغ پیش بینی نشده است و اما در خصوص آثار رأی داورى، قانون داورى تجارى بين المللى ايران صراحتاً از قطعیت رأی داورى یاد کرده است حال آن که در سند بين المللى آنستیرال چنین تصریحی دیده نمی‌شود ولی اثر الزام آوری رأی داورى در دو سند بين المللى مورد اشاره واقع شده است. از این رو در این مقاله که به روش تحلیلی-توصیفی نگاشته شده است نگارندگان تلاش نموده‌اند معیار تشخیص رأی از سایر تصمیمات اتخاذی و نیز انشاء، اعلام و آثار آن را یکی پس از دیگری مورد مطالعه قرار داده و سپس پیشنهادهایی جهت اصلاح قانون داورى تجارى بين المللى ايران ارائه دهند.

واژگان کلیدی: داورى بازرگانى بين المللى - رأی - تصمیم - اعتبار امر مختومه - آنستیرال

مقدمه

دیوان داورى در طول داورى تصمیمات مختلفی اتخاذ می‌کند که نمی‌توان همه آن‌ها را رأی قلمداد نمود. همان‌طور که رأی خواندن تمام اعمال و تصمیماتی که در دادگاه‌ها انجام می‌گیرند از نظر قانونی درست نیست. در واقع الزامات شکلی یک رأی و آثار حقوقی که بر آن بار می‌شود متفاوت و متمایز از دیگر تصمیمات اتخاذی دیوان داورى است. لذا این امر که تصمیم اتخاذی دیوان داورى دارای چه شکلی است بسیار حائز اهمیت است. رأی دارای آثاری است که عمدتاً ویژه آن است. بعلاوه، برای این که هر رأیی آثار حقوقی خود را به بار آورد باید از نظر شکلی و محتوایی تمام شرایطی را که لازمه یک رأی است دارا باشد. شرایطی مانند حدنصاب لازم برای تصمیم‌گیری، کتبی و مدلل بودن، تاریخ و محل صدور رأی، انتشار، ثبت و ابلاغ رأی. این شرایط که معمولاً در مقررات داورى کشورهای گوناگون کم‌وبیش یکسان است و به نوعی حالت استاندارد یافته است ابتدا در توافق‌نامه داورى گنجانده می‌شوند و در فقدان هرگونه توافقی، مقررات قانون حاکم بر فرآیند داورى تعیین‌کننده شرایط شکلی و محتوایی رأی می‌شود. همانند احکام توافقی دادگاه‌ها آرای داورى بازرگانى بين المللى نیز قطعی و لازم‌الاجرا بوده و از اعتبار امر مختومه برخوردار است. علی‌القاعده با صدور یک رأی هست که نتیجه اختلاف طرفین روشن و خصومت حل و فصل می‌گردد و وظیفه دیوان داورى در رسیدگی به دعوا پایان می‌یابد. قواعد و قوانین

موجود در زمینه‌ی داوری بین‌المللی نیز علی‌رغم عدم ارائه تعریفی دقیق از رأی صرفاً به بیان انواع متعددی از آرا و در پایان به برخی از آثار حقوقی یک رأی اشاره می‌کنند. این اشاره به آثار صدور یک رأی در برخی از قوانین مانند قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران صریحاً صورت می‌گیرد آنجا که بیان می‌کند آرای داوری به محض صدور قطعی و قابل اجراست یا در جای دیگر می‌گوید صدور رأی نهایی موجب خاتمه رسیدگی داوری است؛ اما همین آثار در عده‌ای دیگر از قواعد و قوانین مورد تصریح واقع نگردیده است برای نمونه قطعیت رأی داوری به‌طور صریح در قواعد داوری آنسیترال مورد اشاره واقع نگردیده است هرچند سکوت این قواعد را می‌توان با این ایده که در قواعد داوری آنسیترال مقررهای با عنوان اعتراض به رأی داور پیش‌بینی نشده توجیه نمود. یا از سوی دیگر بار شدن چنین اثری بر رأی را جز بداهت مسئله واقع ساخت. از جمله پرسش‌هایی که در راستای بررسی و تحلیل رأی داوری در این نوشتار بدان پرداخته خواهد شد عبارت از آن است که رأی را چگونه می‌توان از سایر تصمیمات بازشناخت؟ انواع رأی کدام است؟ آیا تشریفات ابلاغ آن از سایر تصمیمات داوری متفاوت است؟ و بالاخره آثار حقوقی رأی چیست؟ اهمیت بررسی این مسئله تا جایی است که نتایج بررسی‌های به‌عمل‌آمده در خصوص داوری نشان می‌دهد علی‌رغم این‌که تعداد زیادی کتاب و مقاله و رساله در خصوص داوری انتشار یافته اما تاکنون هیچ تحقیق یا کتابی که به‌طور جامع و خاص به تبیین مسئله‌ی رأی داوری از منظر حقوق ایران و قواعد داوری آنسیترال پرداخته باشد وجود ندارد. از این رو پژوهش در این باره امری بدیع به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر از سه قسمت تشکیل شده است در گفتار اول تمایز رأی از دیگر تصمیمات اتخاذی دیوان داوری، مفهوم رأی داوری و انواع آن مورد بحث واقع گردیده. پس از شناخت مفهوم رأی و تمایزش از دیگر تصمیمات در گفتار دوم این نوشته به این امر که یک رأی داور باید دارای چه شرایطی باشد تا یک رأی خوانده شود اشاره شده بدین منظور هم بیان شرایط ماهوی و هم شکلی لازم دانسته شده است. گفتار سوم این تحقیق نیز به آثار صدور رأی اختصاص دارد. وقتی رأی با رعایت اصول و موازینش صادر شود به‌طور مسلم آثاری را با خود به همراه خواهد داشت که اشاره بدان‌ها قسمتی از موضوع اصلی را به خود اختصاص داده است.

گفتار اول: مفهوم رأی و انواع آن

در نظام‌های حل اختلاف اعم از رسیدگی داوری و قضایی پس از تبادل لوایح، برگزاری جلسات استماع و بررسی و ارزیابی ادله، رسیدگی به مرحله‌ی نهایی رسیده و باید نسبت به موضوع مورد اختلاف اخذ تصمیم شود. تصمیم‌گیری در خصوص موضوع متنازع‌فیه به‌صورت رأی انشا می‌شود. اصولاً حکم داوری بارأی دادگاه تفاوت چندانی ندارد چراکه در هر دو نظام

صدور حکم به وظیفه مرجع رسیدگی خاتمه می‌دهد و مرحله‌ی جدیدی برای اجرای آن آغاز می‌شود. (شیروی، ۱۳۹۲، ۲۵۵).

در زمان تهیه‌ی پیش‌نویس قانون نمونه آنسیترال اهمیت «اصطلاح رأی» منجر به تلاش گروه کاری برای تعریف آن شد. تعریفی که از سوی گروه کاری مربوطه ارائه شد بدین شرح بود: «رأی به حکم نهایی اطلاق می‌شود که تمام موضوعات و مسائل ارائه‌شده به دیوان را فیصله دهد و یا هر تصمیم دیگر دیوان که هر مسئله ماهوی، یک مسئله مربوط به صلاحیت و یا هر مسئله شکلی دیگر را به صورت نهایی حل و فصل نماید» اما نگرانی‌های جدی درباره‌ی بخش دوم و به‌ویژه تصمیم‌گیری در خصوص مسئله شکلی بیان گردید که در پایان مدونین قانون نمونه نتوانستند به توافق دست یابند و همین امر باعث شد که اصطلاح رأی بدون تعریف در قانون نمونه رها شود (Report of the Working Group on International Contract Practices On the Work of its Seventh Session, A/CN.9/246, Paras. 192-194).

قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز در حین اقتباس از قانون نمونه آنسیترال در صدد جبران این ضعف برنیامده است. حتی در کنوانسیون نیویورک تعریفی از رأی دیده نمی‌شود تنها در بند (۲) ماده ۱ چنین مقرر شده است که: «اصطلاح «احکام داوری» نه تنها شامل احکام داوران منصوب برای هر پرونده هست بلکه شامل احکام صادره از ارکان دائمی داوری که طرف‌ها به آن‌ها رجوع کرده‌اند نیز می‌گردد»؛ که اصطلاح به کار برده شده در این کنوانسیون با واژه رأی مندرج در قانون داوری تجاری بین‌المللی و قانون آیین دادرسی مدنی هماهنگی ندارد و چنان چه که پیداست منظور از این بند ارائه تعریف از رأی داوری نیست بلکه مراد از این بیان، رفع هرگونه شبهه در خصوص دایره شمول کنوانسیون نیویورک در ارتباط با داوری‌های موردی و سازمانی است. در حقیقت نمی‌توان در هیچ‌یک از قوانین و قواعد تدوین‌شده در زمینه داوری و حتی کنوانسیون‌های بین‌المللی که در ارتباط با داوری هستند تعریفی از رأی یافت. حتی در بند ۳ ماده ۲ قواعد داوری اتاق داوری بازرگانی بین‌المللی با عنوان تعاریف، به جای تعریف رأی انواع آن ذکر گردیده است. منتها برخی از نویسندگان فعال در عرصه‌ی داوری بازرگانی در تعریف رأی چنان می‌نویسند: «رأی به تصمیم یا تصمیمات نهایی دیوان داوری اطلاق می‌شود که کلیه مسائل ماهوی ارجاع شده به داوری را فیصله می‌دهد». (شیروی، ۱۳۹۲، ۲۵۷). همان‌طور که ملاحظه می‌شود این تعریف بیش‌تر در صدد حل مشکل پیچیده احکام نهایی، جزئی و موقتی است زیرا در خلال داوری ممکن است بیش از یک رأی صادر شود؛ و نویسنده دیگری نیز چنین می‌گوید: «رأی داوری برآیند تصمیم دیوان داوری و به‌نوعی سند ثبت‌کننده تصمیم هیات داوری است که به‌طور موقت یا نهایی، تکلیف دعوی طرفین را روشن می‌سازد و ممکن است به تفسیر شروط و مفاد قرارداد یا تعیین حقوق و تعهدات طرفین

اختلاف و یا سایر اختلافات موضوعی و حقوقی فی‌مابین طرفین مربوط باشد». (لئو و دیگران، ۱۳۹۱، ۶۲۹) و در جای دیگر از رأی به‌عنوان فرآیند نهایی داوری یاد شده است آنجا که حقوق دان بنام فرانسوی عقیده دارد؛ موافقت‌نامه داوری نقطه‌ی شروع فرآیند داوری است و رأی مرحله‌ی نهایی آن و نتیجه‌ی آیین دادرسی داوری در تصمیم داوری متبلور می‌شود (Rubino-Sammartano, 2001, 731).

با عنایت به تعاریف پیش‌گفته می‌توان بیان کرد که مهم‌ترین نکته در تبیین مفهوم رأی داوری، توجه به این مسئله است که رأی داوری اصولاً مسائل مطروحه را فیصله می‌دهد و این همان چهره‌ی قضایی رأی داوری است که آن را از اعتبار امر مختومه برخوردار می‌کند؛ بنابراین هر تصمیم داور یا دیوان داوری که در خصوص دعاوی ارجاع شده به او اتخاذ می‌شود و قاطع دعوی باشد و از اعتبار امر مختومه برخوردار، متصف به عنوان رأی خواهد بود.

در این گفتار ابتدا تفاوت رأی داوری از سایر تصمیمات اتخاذی دیوان بحث می‌شود سپس در ادامه سخن از انواع رأی به میان می‌آید.

۱: تمایز رأی از سایر تصمیمات

در طول فرآیند داوری، تصمیمات بسیاری از سوی دیوان اتخاذ می‌گردد که نمی‌توان همه آن‌ها را رأی قلمداد نمود. همان‌طور که رأی خواندن تمام اعمالی که در دادگاه انجام می‌شود، قانوناً ممکن نیست. (شمس، ۱۳۹۱، ۲۰۱) از این رو باید در پی جست‌وجوی معیاری بود تا بتوان رأی را از سایر تصمیمات اتخاذی دیوان متمایز نمود.

دیوان با اعمال اقتدار اعطایی و ذاتی تصمیمات خود را به‌صورت احکام ماهوی^۱ و دستورات شکلی^۲ صادر می‌کند. این امر که تصمیم اتخاذی دیوان دارای کدام‌یک از اشکال فوق‌الذکر است بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا نظری که دیوان در خصوص احکام ماهوی ارائه می‌دهد قطعی و الزام‌آور است اما دستورها علی‌رغم این که لازم‌الاجرا هستند امکان تغییر، اصلاح و ابطال آن‌ها وجود دارد. به علاوه ممکن است هیات داوری حتی برای توجیه دستورهای خود هیچ دلیلی ذکر نکند و حال آنکه آرا علی‌الاصول باید مدلل باشند. (امیر معزی، ۱۳۹۲، ۲۱۵) این سند تثبیت‌کننده تصمیم، دارای اعتبار امر مختومه است مضافاً این که اگر مدیون به‌صورت داوطلبانه آن را اجرا نکند می‌توان اجرای آن را از محاکم قضایی درخواست نمود و در مقابل، طرف مغلوب این حق را خواهد داشت که در صورت وجود موارد ابطال رأی جریان ابطال آن را آغاز نماید درحالی که دادگاه‌ها در برابر

^۱ Award.

^۲ Order.

اشکال دیگر تصمیم اتخاذی داوران هیچ پروسه‌ای را قبول نخواهند کرد. (United Nations Conference on Trade and Development, 2005, 3)

(United Nations Conference on Trade and Development)

تفاوت عمده بین آرا و دستورها این است که معمولاً دادگاه‌ها نمی‌توانند پیش از صدور رأی نهایی، دستورها را مورد تجدیدنظر قرار دهند، هرچند که ممکن است دیوان بتواند چنین کاری را انجام دهد. بااین وصف، در خصوص دستوراتی که به مقدار کافی نهایی هستند و تجدیدنظر قضایی را توجیه می‌کنند، در مواردی می‌توان در دادگاه اعتراض نمود. (Moses, 2008, 179)

قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی به دیوان داوری اختیار داده است که اقدامات تأمینی را در شکلی از دستور یا رأی صادر نماید؛^۱ اما در یک داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی تفاوت معنی‌داری بین این دو در خصوص روشی که باید دنبال شود وجود دارد، به این معنا که یک دستور می‌تواند بدون هیچ دردمس اضافی ساخته شود و نیازی به آگاهی هریک از طرفین از دستور نیست و به‌عنوان یک گزاره کلی تصمیمات منوط به کنترل توسط دادگاه نیستند؛ اما قبل از این که دیوان بتواند یک رأی را صادر نماید قواعد این اتاق در راستای ارزش و اعتبار بخشیدن به رأی داور، داوران را موظف کرده است که پیش‌نویس رأی خود را اعم از این که نهایی و یا جزئی باشد به‌منظور بررسی و تصویب به دیوان داوری ارسال نماید. (United Nations Conference on Trade and Development, 2005, 4)

(on Trade and Development)

تفاوت مهم دیگری که بین این دو در قواعد^۲ و قانون نمونه آنسیترال^۳ به چشم می‌خورد این است که در رسیدگی‌های داوری با بیش از یک داور، رأی باید با اکثریت آرا صادر شود مگر این که طرفین به نحو دیگری تراضی نموده باشند و حال آنکه مسئله شکلی در صورت توافق طرفین و یا همه اعضای دادگاه داوری می‌تواند توسط داور رئیس (سر داور) تصمیم‌گیری شود.

درواقع بحث راجع به ماهیت دعوا و تعیین تکلیف نهایی در خصوص موضوع متنازع‌فیه دو خصیصه ذاتی و اساسی رأی است که می‌تواند معیار تشخیص آن از سایر تصمیمات قرار گیرد. با در نظر داشتن این دو ملاک بایستی چنین گفت: «تصمیمات شکلی از قبیل برنامه‌ریزی برای یک جلسه، تعیین مقر یا زبان داوری، رد یا قبول جرح داوران، تصمیم به استماع شهود، ارجاع امر به کارشناسی، کاستن بازده زمانی و امثال آن، رأی محسوب نمی‌شوند، زیرا این تصمیمات راجع به ماهیت اختلاف نیست، بلکه هموارکننده رسیدگی داوری و تعیین چگونگی آن است. رأی همچنین

¹ Art 28(1).

² Art (33).

³ Art (29).

بر دستور موقت نیز اطلاق نمی‌شود؛ زیرا دستور موقت اتخاذ تصمیم در مورد ماهیت دعوی نیست و جنبه نهایی نیز ندارد». (شبروی، ۱۳۹۲، ۲۵۷).

۲- انواع رأی

در داوری بین‌المللی آرای داوری بسیار متنوعی وجود دارد.^۱ رأی نهایی،^۲ رأی جزئی،^۳ آرای اصلاحی،^۴ تفسیری^۵ و در نهایت تکمیلی.^۶ یک طیف دیگری از طبقه‌بندی خاص آرا وجود دارد که عبارت‌اند از: رأی بر اساس شرایط مرضی‌الطرفین^۷ که رأی سازشی هم خوانده می‌شود. آرای غیابی،^۸ آرای موقتی،^۹ آرای اعلامی،^{۱۰} تأسیسی.^{۱۱}

^۱ رأی نهایی: رأیی است که کلیه موضوعات مرجوع الیه را مورد رسیدگی قرار داده و تعیین تکلیف نموده باشد و در معرض هیچ نوع اعتراضی اعم از درخواست ابطال یا پژوهش خواهی نباشد. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۵۹)

رأی جزئی: رأیی که ناظر به یکی از عناوین خواسته یا بخشی از اختلاف است و یا یک امر مقدماتی که مؤثر بر کل رسیدگی‌های داوری است و وضعیت آن را معلوم می‌کند. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۶۱)

رأی اصلاحی: رأیی است که توسط مرجع صادرکننده رأی اولین مورد اصلاح قرار گرفته است بدون اینکه محتوای رأی را تغییر دهد یا نیازی به بررسی مجدد پرونده باشد. و بیشتر شامل اصلاح الفاظ و کلمات رأی بوده و شامل اشتباهاتی که به ارکان رأی خلل وارد می‌آورد نمی‌شود. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۹۳)

رأی تفسیری: مراد از تفسیر رأی توضیح رأی داوری است که از این طریق مفاد حکم روشن و از آن رفع ابهام می‌شود. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۹۶)

رأی تکمیلی: صدور رأی تکمیلی منوط به ادعاهایی است که در جریان داوری مطرح شده ولی در رأی داوری به آن‌ها پرداخته نشده است. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۹۷)

رأی سازشی: رأیی است که پس از توافق و سازش طرفین اختلاف به صورت مرضی‌الطرفین صادر می‌شود. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۶۲)

رأی غیابی: رأیی است که دیوان داوری در دعوایی صادر می‌کند که یکی از طرفین اختلاف در آن حضور نداشته و غایب است. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۶۴)

رأی موقت: رأیی که همه مسائل مرجوع الیه را بطور قطعی فیصله نمی‌دهد. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۶۲)

رأی اعلامی یا رأی کاشف از حق: رأیی که وجود حقی را اعلام می‌نماید. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۶۸)

رأی تأسیسی یا اجرایی: این رأی معادل رأی انشایی است و موضوعی که از قبل از رأی داوری وجود نداشته است براساس رأی داوری موجود و تأسیس شده و یا فرض وجود آن می‌شود. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۷۰)

² Final award.

³ Partial award.

⁴ Correction of award.

⁵ Interpretation of award.

⁶ Additional award.

⁷ consent award.

⁸ Default Award.

⁹ Interim award.

¹⁰ Declaratory award.

¹¹ Constitutive award.

بند (۱) ماده ۳۲ قواعد داوری آنستیرال ۱۹۷۶ مقرر می‌دارد: «دیوان داوری حق دارد علاوه بر احکام نهایی، قرار موقت، قرار اعدادی و یا احکام جزئی صادر نماید». در نسخه ۲۰۱۰ این بند به شرح ذی‌لاصلاح شده است: «دیوان داوری می‌تواند آرای جداگانه‌ای در خصوص موضوعات گوناگون در زمان‌های گوناگون صادر نماید». در قانون داوری تجاری بین‌المللی ماده‌ای که صراحتاً در رابطه با اختیار داور برای صدور انواع رأی سخن بگوید وجود ندارد اما به صورت تلویحی می‌توان از مواد در ذیل گفته شده برداشت کرد که انواع رأی داوری مورد اذعان قانون‌گذار قرار گرفته است. ماده ۳۱ این قانون مقرر کرده که صدور رأی نهایی موجب ختم رسیدگی خواهد شد. در بند (۳) ماده ۳۳ قانون فوق صراحتاً قید شده است که «رأی داوری اعم از رأی تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری است»؛ و بند (۳) قانون مذکور هم بیان می‌کند: دیوان داوری می‌تواند به عنوان یک امر مقدماتی نسبت به ایراد صلاحیت یا وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری اتخاذ تصمیم کند. با وجود اینکه برای این تصمیم اصطلاح رأی بکار برده نشده منتهی ادامه این بند چنین آمده است که اگر ایراد در طول رسیدگی داوری مطرح شود، دیوان ممکن است ضمن «رأی ماهوی» نسبت به این ایراد اتخاذ تصمیم نماید. از این بند به‌طور تلویحی استنباط می‌شود که رأی ممکن است راجع به ماهیت دعوا نباشد همان‌گونه که در احکام دادرسی هم قانون‌گذار بیان کرده که ممکن است رأی راجع به ماهیت اختلاف و قاطع آن باشد که در این صورت حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود.

گفتار دوم: تنظیم رأی داور

احترام به اصل حاکمیت اراده ی طرفین که مبنای داوری را تشکیل می‌دهد، داوران منتخب را ملزم می‌سازد که بیش از هر چیز در نحوه‌ی تنظیم رأی، شرایط شکلی و محتوایی را که طرفین در موافقت‌نامه داوری خویش تدارک دیده‌اند، رعایت نمایند و در صورت فقدان توافقی در این باره مقررات قانون مقر داوری را محترم بدانند. مقررات مربوط به داوری در قوانین داخلی و قواعد نهادهای داوری بین‌المللی و داوری‌های خاص، در این امور شکلی مانند حدنصاب لازم برای تصمیم‌گیری، کتبی و مدلل بودن، تاریخ و محل صدور رأی و... علی‌رغم شباهت بسیار زیاد به یکدیگر، تفاوت‌هایی نیز دارند. در این گفتار به بیان هریک از این شرایط خواهیم پرداخت.

۱- حدنصاب لازم برای اخذ تصمیم

علی‌رغم این‌که اجماع برای صدور رأی موردپسند است ولی تحصیل چنین چیزی کار آسانی نیست از این رو رویه مستقر و تثبیت‌شده این است که هیات داوری مرکب از بیش از یک داور، می‌تواند با اکثریت آرا تصمیم‌گیری کند. تصمیمات اکثریت داوران که نتیجه مشروع و مقبول شور میان اعضای مرجع داوری است و پیدایش جریان درست حقوقی مورد انتظار طرفین اختلاف را تأمین می‌کند. (لثو و دیگران، ۱۳۹۱، ۶۴۱).

بند (۱) ماده ۳۳ قواعد آنسیترال مقرر می‌دارد: «هرگاه دیوان داوری بیش از یک داور داشته باشد، آرا و تصمیمات آن با اکثریت داوران صادر می‌شود». این ماده اکثریت را تنها معیاری برای صدور رأی قرار نداده بلکه در مورد دستورهای شکلی نیز چنین اکثریتی را لازم می‌پندارد.^۱ در همین راستا، ماده ۲۹ قانون داوری تجاری ایران نیز اظهار می‌دارد: «در داوری‌هایی که توسط بیش از یک داور صورت می‌گیرد، هر تصمیم دیوان داوری باید با اکثریت اعضای هیات داوری اتخاذ شود، مگر این‌که طرفین به نحو دیگری مقرر کرده باشند».

باملاحظه عبارت صریح قانون ایران و قواعد آنسیترال روشن می‌گردد که قانون‌گذار ایرانی برخلاف قواعد آنسیترال اکثریت را جز در صورتی‌که طرفین به گونه دیگری توافق نکرده باشند ملاک تصمیم‌گیری از سوی مرجع داوری دانسته است.

بااینکه اکثر قوانین و قواعد داوری در صورتی‌که دیوان مرکب از چند داور باشد صدور رأی اکثریت را مناط اعتبار قرار داده اما حصول چنین امری نیز مانند تحقق اجماع همیشه قابل‌دستیابی نیست (مانند زمانی که داوران منصوب طرفین هریک بر موقعیت طرفی که آن‌ها را منصوب نموده اصرار ورزند) بنابراین در وضعیت‌های این‌چنینی که نه اجماع میان داوران به دست می‌آید و نه اکثریتی، برخی از قواعد داوری راه‌حل قضیه را توسل به رأی برتر سر داور قرار داده‌اند.^۲ چنین اختیاری برای سر داور در قواعد آنسیترال به تصمیم‌گیری پیرامون موضوعات شکلی محدود شده است البته به شرطی که دیوان داوری چنین امری را مجاز بدانند.^۳ حال‌آنکه قانون داوری تجاری

^۱ «هرگاه در مورد موضوعات شکلی، اکثریتی حاصل نشود، یا هرگاه دیوان داوری مجاز شمارد، رئیس می‌تواند رأساً در باب این موضوعات تصمیم بگیرد، با این قید که تصمیم او، عنداللزوم، مورد تجدید نظر دیوان داوری قرار خواهد گرفت».

^۲ چنان چه قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در قسمت اخیر بند (۱) ماده ۳۱ مقرر می‌دارد: «...در صورتی که اکثریتی حاصل نشود، رئیس مرجع داوری به تنهایی رأی را صادر می‌کند».

^۳ Also see: the 2010 Stockholm Chamber of Commerce Rules Art35(2), Swiss Rules of International Arbitration Art 31(2), Pakistan Engineering Council Rules of Arbitration Art 31(iv).

ایران فاقد مقرره‌ای در این زمینه است. ولی شاید بتوان از قسمت اخیر ماده ۲۹ این قانون که مقرر می‌کند: «... مگر این که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند» امکان توافق بر رأی سر داور را استنباط کرد و الا اگر در این باره علاوه بر عدم حصول رأی اکثریت، طرفین نیز چیزی مقرر نکرده باشند باید دانست که به بن‌بستی رسیده‌ایم که تصمیم‌گیری را ناممکن می‌سازد.

رأی برآیند اتفاق نظر یا رأی اکثریت است در حالی که گاهی نظرات موافق^۱ و یا مخالف^۲ هم در رأی آورده می‌شود. معمولاً، دیدگاه مخالف با خودداری از امضای رأی بیان می‌گردد. این نظرات در داوری تجاری رواج چندانی ندارند و تنها تعداد اندک شماری از قوانین امکان درج چنین نظرانی را مقرر می‌کنند.^۳ قانون نمونه آنسیترال، قواعد داوری آنسیترال و قانون داوری تجاری ایران فاقد مقرره‌ای در خصوص نظریات مخالف می‌باشند. با این حال دیوان داوری دعوی ایران - ایالت متحده قواعد آنسیترال را اصلاح نمود تا امکان گنجاندن نظریات موافق و مخالف وجود داشته باشد.^۴

یک نظر موافق یا مخالف^۶ می‌تواند به رأی ضمیمه شود همان‌طور که بند (۳) ماده ۴۷ قواعد داوری ایکسید مقرر می‌کند: «هر یک از اعضای دیوان می‌تواند نظر شخصی خود را به حکم ضمیمه

¹ Concurring Opinion.

^۱ منظور از دیدگاه موافق یا دیدگاه اکثریت، دیدگاه داور یا داورانی است که نه با استدلال بلکه صرفاً با نتیجه موافق می‌باشند.

² Dissenting Opinion.

^۲ مراد از دیدگاه مخالف: نظر داور یا داورانیست که هم با نتیجه و هم با استدلال مخالف است

^۳ مانند قانون داوری بلغارستان که در ماده ۳۹ مقرر می‌کند: «... داورانی که مخالف هستند بایست مخالفشان را به صورت کتبی ارائه نمایند».

^۴ در خلال تهیه پیش نویس قانون نمونه مسئله ای توسط دبیرخانه مطرح شد که آیا قانون نمونه باید موضعی در مورد درج دیدگاه مخالف در رأی اتخاذ کند یا نه؟ پیشنهاد داده شد که بایستی مقرر ای آورده شود که امکان درج نظر مخالف را بدهد متنها از این ایده استقبال صورت نگرفت. رجوع شود به (Report of the Secretary-General, Analytical Commentary on Draft Text of a Model Law on International Commercial Arbitration, A/CN.9/264, Art 31, para.2. Available at: <http://daccess-dds-law.un.org/doc/UNDOC/GEN/V85/244/18/PDF/V8524418.pdf?25/4/2016>).

⁵ Art 32(1).

^۶ موجود بودن نظر مخالف کیفیت و اعتبار رأی داوری را به دلیل ترغیب به گفت‌وگوی بیشتر افزایش داده و هر داور را تشویق می‌کند که به استدلالات داوران دیگر و طرفین توجه بیشتری نموده تا چنان چه موافق دیدگاه اکثریت نیست یک استدلال خوبی برای مخالفتش فراهم سازد که خود این امر باعث می‌شود نه تنها کیفیت استدلال از جانب مخالف بلکه از سوی اکثریت نیز افزایش یابد و اکثریت نیز با مسئولیت بیشتری اقدام کنند (Van Den Berg, 825). یک نظر مخالف هم چنین می‌تواند اختلافات مخرب اکثریت را نیز در معرض نمایش قرار بدهد و دیوان را قادر به اصلاح آن‌ها قبل از صدور رأی نماید از این رو نظر مخالف می‌تواند در قابلیت اجرایی رأی نقش مثبتی را ایفا نماید البته برای بازی کردن این نقش و بالا بردن کیفیت یک رأی بهتر است که این دیدگاه‌ها پیش از تصویب رأی به داوران فرستاده شود. افزون بر این، با وجود یک نظر مخالف، قبل از صدور رأی، داوران دیگر می‌توانند را با در نظر گرفتن نگرانی‌هایی که از دیدگاه مخالف ناشی می‌شود رأی خود را مورد بررسی قرار داده و حتی دیدگاه‌های خود را تغییر دهند. این نظریات می‌تواند امکان سازش‌های دقیقه نودی را فراهم ساخته و سرانجام این که وجود این دیدگاه‌ها برابری داور امکانی فراهم می‌کند تا از شهرت و آبروی خویش دفاع نماید. (Stippi; Veit Ohlberger, 387-388).

جدای از تمام این گفته‌ها، این حق طرفین دعوی است که بدانند دیوان داوری به اجماع نرسیده است. (لئو و دیگران، ۱۳۹۱، ۶۴۱) با این حال، ابراز نظر مخالف می‌تواند به پیدایش تنگناهایی منجر شود چه این که با چنین تجویزی، وابستگی داور مخالف به طرفی که

نماید، خواه نظر وی موافق دیدگاه اکثریت باشد و خواه مخالف؛ همچنین می‌تواند تفصیل نظر مخالف خود را نیز ضمیمه کند؛^۱ و یا این که می‌تواند جدای از رأی به طرفین تحویل داده شود ولی معمولاً در هیچ پرونده‌ای جدای از رأی ارائه نمی‌شود. United Nation Conference on Trade and Development, 2005, 19) از نظر نباید دور داشت که این نظریات در هر شکلی از اشکال فوق‌الذکر که ارائه گردد جزئی از رأی را تشکیل نمی‌دهند مگر درجایی که قواعد داوری منتخب طرفین یا قانون آیین دادرسی قابل‌اعمال به نحو دیگری مقرر دارد (Fouchard, Philippe; Emmanuel Gaillard, Berthold Goldman, John Savage, 1999, 768).

۲- شکل رأی:

به‌طور کلی ضرورت‌های شکلی یا از طریق موافقت‌نامه داوری و یا توسط قانون حاکم بر داوری (قانون مقر داوری) تعیین می‌شوند. (Redfern, 2004, 379). بند (۲) ماده ۳۴ قواعد داوری آنسیترال بیان می‌کند: «تمام آرای دیوان باید به‌صورت کتبی صادر شود...»؛ و همین‌طور بند (۱) ماده ۳۰ قانون داوری تجاری اظهار می‌دارد: «رأی باید به‌صورت کتبی صادر گردد...». در حقیقت ضرورت کتبی بودن رأی نیازمندی مشترکی است که در بیشتر قوانین ملی و قواعد نهادهای داوری بدان اشاره شده است.^۱

وی را منصوب نموده، تقویت شده و لذا این تأکید بی‌جهت و اضافی بر ارتباط طرفین و داوران منصوبشان به مشروعیت قانونی پروسه و اقدامات لطمه زده و منجر به کاهش اعتماد به آن پروسه می‌گردد (Stippl; Veit Ohlberger, 388). اما برخی از حقوقدانان در پاسخ به این ایراد گفته‌اند؛ معمولاً فرد کسی را به‌عنوان داور خود برمی‌گزیند که از دید فرهنگ و رویکرد با او اشتراک دارد که این امر، همسانی و قرابت فرهنگی است نه وابستگی که توضیح دهد چرا در بسیاری از حالات دیدگاه داور مخالف با نظر طرفی که وی را منصوب کرده هم‌راستا است (Rubino-Sammartano, 2001, 768). از سوی دیگر وجود دیدگاه متفاوت راه را برای اعتراض به رأی و درخواست ابطال آن هموار می‌سازد (Schiav, 143) چراکه طرف زیان‌دیده با ملاحظه دیدگاه‌های متفاوت در خصوص اختلاف مطروحه ترغیب می‌شود که اقتدار رأی داوری را در خطر اندازد. برخی در رد این دلیل نوشته‌اند، احتمال بسیاری وجود دارد که رأی داوری نادرست باشد و چه‌بسا بر اساس یکی از دلایل بیان‌شده در دیدگاه مخالف نادرستی آن احراز گردد لذا در چنین حالاتی، اخفای نظر مخالف نمی‌تواند به ارتقای سطح تصمیمات داوری کمکی کند (Rubino-Sammartano, 2001, 768). بدیهی است که دیدگاه‌های مخالف صرف وقت و هزینه‌های بیش‌تری را نیز در پی خواهد داشت (Stippl; Veit Ohlberger, 390). یکی از نگرانی‌های عمده و برجسته‌ترین دلیل موجود برای بازداشتن دیدگاه‌های مخالف، نقص محرمانگی شور و مذاکرات است. البته برخی از حقوقدانان بر این نظرند که حتی اگر محرمانگی تصمیم‌گیری دیوان داوری همان چیزی باشد که درباره تصمیم‌گیری قضایی است، بیان مخالف به معنای افشای چگونگی تصمیم‌گیری دیوان داوری نخواهد بود بلکه تنها، بیان‌گر دیدگاه اقلیتی از داوران است و بیان می‌کند که یک نظر مخالفی هم وجود دارد (Rubino-Sammartano, 2001, 768).

¹ UNCITRAL Model Law Art31(1), Brazilian Arbitration Act Art24), Netherlands Arbitration Act Art1057(2), Germany Arbitration Act Art 1054(1), Belgium Arbitration Act Art1701(4) Stockholm Chamber of Commerce Rules Art36(1), For example.

در نظام مدرن امروزی هیچ داوری برای ارائه یک رأی شفاهی تلاش نمی‌کند. اگرچه رأی که به صورت کتبی تحویل داده نمی‌شود اعتبار دارد ولی از نظر اجرای اجباری با مشکل جدی مواجه خواهد شد. (مافی، ۱۳۹۵، ۳۷۴) و به گفته برخی از نویسندگان اگرچه ارائه رأی شفاهی به صورت نادر اتاق می‌افتد اما نمی‌تواند توسط مقررات قانونی پوشش داده شود. (Halli; Sheqir Kutllovci, para.5)

۳- محتوی رأی:

یک لیست جامع از محتوی شامل نام داوران، اشاره به انتصاب آنان، طرفین توافق‌نامه داوری، موضوع مورد اختلاف، ادعاها و دفاعیات طرفین، مکان داوری، قانون شکلی قابل اعمال، تصمیم و دلایل آن، ارزیابی هزینه اقدامات و تقسیم چنین هزینه‌هایی بین طرفین، مکان و تاریخ رأی و امضای داوران هست. همه این عناصر باید در یک رأی موجود باشد؛ نتیجه فقدان یک یا چند مورد از آن‌ها به مقررات قانونی قابل اعمال یا قواعد داوری مربوط به اعتبار یک رأی یا امکان اعتراض بدان بستگی دارد و در صورت شناسایی آرا نتایج فقدان عناصر محتوایی یک رأی ممکن است متفاوت باشد چراکه این امر وابسته به کنوانسیون‌های بین‌المللی، نظم عمومی و مقررات شکلی دولتی که اجرای رأی از آن تقاضا شده، هست. (Rubino-Sammartano, 2001, 733) در حقیقت، ساختار، شکل، جزئیات یک رأی تا درجه زیادی به سبک حقوقی تدوین‌کننده، ترکیب هیات داوری و قوانین و قواعد حاکم بستگی دارد. (Khodykin, 2013, 136) در کشورهای دارای حقوق عرفی، طراح قانونی که معمولاً رئیس دیوان داوری هست ممکن است که نوشتن یک رأی طویل و جامع را پیش‌بینی نموده باشد در مقابل در نظام‌های حقوق نوشته یک تدوین‌کننده ممکن است که نوشتن یک رأی موجزتری را که متضمن حقایق کم‌تری در خصوص اختلاف هست، پیش‌بینی کند. به هر حال سرسبکی که به کار گرفته می‌شود بایستی حداقل محتوی را که طبق قواعد یا قوانین داوری حاکم لازم دانسته شده است دارا باشد. United Nation Conference on Trade and (Developmen, 2005, 23).

بند (۳) ماده ۳۴ قواعد آنسیترال بیان می‌کند: «دیوان داوری باید دلایلی را که مبنای صدور رأی بوده ذکر کند مگر این‌که طرفین توافق کرده باشند دلایل صدور رأی ذکر نگردد». در ادامه بند (۴) همین ماده اعلام می‌دارد: «رأی باید توسط داوران امضا شود و مشتمل بر تاریخ صدور و مقرر داوری باشد. در صورتی‌که بیش از یک داور وجود داشته باشد و هریک از آنان از امضای رأی امتناع ورزد، علت عدم امضای او باید در رأی بیان شود».

بند (۲) ماده ۴۲ این قواعد یک عنصر دیگری که باید در رأی ذکر شود را تعیین می‌کند این ماده چنین مقرر می‌دارد: «دیوان داوری باید ضمن رأی قطعی یا اگر مناسب تشخیص دهد ضمن رأی دیگری، با عنوان تصمیم دیگری در مورد تسهیم هزینه‌ها، هر مبلغی را که هر طرف باید به طرف دیگر بپردازد، مشخص کند».

در ماده ۳۰ قانون داوری تجاری نیز عبارات صریح دو بند ماده ۳۴ قواعد آنستیرال بیان گردیده است. منتهی درباره نحوه پرداخت هزینه‌های داوری و تخصیص آن مقرره‌ای وجود ندارد. حال آنکه قواعد داوری آنستیرال حاوی مقررات جامع و کاملی در این رابطه هست و حول محور چهار ماده تمامی مسائل مربوط به هزینه از جمله نحوه تعیین آن،^۱ حق الزحمه و مخارج داوران،^۲ تسهیم هزینه^۳ و تودیع^۴ آن را به خوبی تبیین می‌کند؛ اما فقدان موجود در داوری‌های بازرگانی بین‌المللی را می‌توان با رجوع به مقررات قانون آیین دادرسی مدنی تا حدودی رفع نمود.

پس مستفاد از گفته‌های فوق می‌توان بیان کرد که رأی داوری باید متضمن قید زمان و مکان صدور رأی و دلایل استنادی آن و هزینه‌های داوری باشد؛ اما ناگفته نماند که محتوای اصلی رأی، تصمیمات یا احکامی است که به موجب آن قضیه مطروحه فیصله می‌یابد برای نمونه فرض کنید که دو شرکت در مورد نقض قرارداد و خسارات وارده اختلاف نظر دارند و این موضوع را به داوری ارجاع می‌دهند. تصمیم داور در خصوص این مسئله که آیا قراردادی نقض شده یا نه و در صورت

^۱ ماده ۴۰ این قواعد مقرر می‌دارد: «دیوان داوری می‌تواند یا در ضمن رأی داوری و یا چنانچه مقتضی بداند طی تصمیم دیگری نسبت به تعیین هزینه‌ها اقدام نماید».

^۲ بند یک ماده ۴۱ این قواعد مقرر می‌دارد: «میزان حق الزحمه و مخارج داوران باید با توجه به مبلغ متنازع فیه، پیچیدگی موضوع مورد اختلاف، زمان صرف شده توسط داوران و سایر اوضاع و احوال مرتبط مبلغ متعارفی باشد». ماده ۵۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «چنانچه بین داور و اصحاب قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد»؛ و همین‌طور ماده ۴۹۸ مقرر می‌دارد: «میزان حق الزحمه بر اساس آیین‌نامه‌ای است که هر سه سال یک بار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید».

^۳ بند دو ماده ۴۲ این قواعد مقرر می‌دارد: «دیوان داوری باید ضمن رأی قطعی یا اگر مناسب تشخیص دهد ضمن رأی دیگری، تحت عنوان تصمیم دیوان در مورد تسهیم هزینه‌ها، هر مبلغی را که هر طرف باید به طرف دیگر بپردازد، مشخص کند». ماده ۴۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «پرداخت حق الزحمه داوران برعهده طرفین است مگر آن که در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد».

^۴ بند یک ماده ۴۳ این قواعد مقرر می‌دارد: «دیوان داوری به محض تشکیل می‌تواند از طرفین بخواهد به طور مساوی، مبلغی را بابت پیش‌پرداخت هزینه‌های مذکور در قسمت الف تا پ بند ۲ ماده ۴۰ تودیع نماید».

اول چه کسی و به چه میزانی مسئول است، در رأی داوری نمود پیدا می‌کند. (شیروی، ۱۳۹۲، ۲۶۷).

۴- امضای رأی: ^۱

همان‌طور که در فوق متذکر شدیم حکم داوری بایستی کتبی باشد از این رو این سند کتبی برای دارا بودن اثر حقوقی باید امضا گردد. بسیاری از قوانین و قواعد داوری امضای یک رأی را ضروری می‌دانند؛ اما رویه امضا بنا برحسب این‌که دیوان داوری متشکل از داور منفرد یا داوران متعدد باشد فرق می‌کند. در صورت اول رأی باید به امضای داور واحد برسد و در مورد اخیر آنچه رویه غالب محسوب می‌شود امضا توسط تمامی داوران است اما از آنجاکه رسیدن به اجماع در داوری اتفاقی نادر است و داور را نمی‌توان مجبور به قبول نظری نمود که بدان اعتقادی ندارد بیشتر قوانین و قواعد داوری این احتمال را که ممکن است داوری از امضای رأی امتناع ورزد را پیش‌بینی نموده و در این صورت امضای اکثریت را همراه بایبان علت امضای محذوف مناط اعتبار یک رأی دانسته‌اند. ^۲ بند یک ماده ۳۰ قانون داوری ایران در این خصوص مقرر می‌دارد: «رأی باید به صورت کتبی باشد و به امضای داور یا داوران برسد. در موردی که داور بیش از یک نفر باشد، امضای اکثریت کافی خواهد بود، مشروط بر این‌که علت عدم امضای دیگر اعضا ذکر شود»؛ و بند (۴) ماده ۳۴ قواعد داوری آنسیترال نیز چنین مقرر می‌کند: «رأی باید توسط داوران امضا شود و مشتمل بر تاریخ صدور و مقر داوری باشد. در صورتی که بیش از یک داور وجود داشته باشد و هریک از آن‌ها از امضای رأی امتناع ورزد علت عدم امضای او باید در رأی بیان شود». همان‌طور که ملاحظه می‌شود مابین مقررات این دو سند تفاوتی در خصوص امضای رأی جز در نحوه ی بیان دیده نمی‌شود.

اما ضروری نیست که امضای همه داوران در یک سند واحد درج گردد بلکه امضای آن‌ها می‌تواند در کپی برابر با اصل همان سند نیز صورت بگیرد. (Kronke, 2010, 155).

^۱ برخی از حقوقدانان در تعریف امضا چنین می‌گویند: «نوشتن اسم یا اسم خانوادگی (هر دو) یا رسم‌الخط خاص که نشانه هویت صاحب علامت است در ذیل اوراق و اسناد (عادی یا رسمی) که متضمن وقوع معامله یا تعهد یا اقرار یا شهادت و مانند آن‌هاست یا بعداً باید روی آن اوراق تعهد یا معامله‌ای ثبت شود». (جعفر لنگرودی، ۱۳۹۲، ۸۱).

^۲ See: UNCITRAL Model Law Art31(1), German Arbitration Statute Art1054(1), Netherlands Arbitration Act Art1057(3), Belgian Arbitration Statute Art1701(4), For example.

امضای رأی مقررهای است الزامی، یعنی طرفین نمی‌توانند که تراضی برخلاف آن نمایند. (Weigand, 2009, 516) اما تعداد امضای لازم برای اعتبار دادن به یک رأی را می‌توان جزء قواعد تحییری قلمداد نمود. برای نمونه اگر طرفین توافق کنند که در صورت عدم حصول رأی اکثریت، نظر سر داور ملاک عمل قرار بگیرد اعم از این که توافق آن‌ها به صورت صریح باشد یا از طریق اشاره به قواعدی صورت گیرد که نظر سر داور را مناط اعتبار یک رأی بدانند باید توافق آن‌ها را محترم دانست.

به عقیده‌ی برخی برای رأی امضای واقعی ضروری است نه امضای الکترونیک (Berger; Michael E. Schneider, 2013, 29) اما برخلاف عقیده این گروه در حقوق ما طبق قانون تجارت الکترونیک^۱ ۱۳۸۲ امضای الکترونیکی هم معتبر هست؛ اما امضای غیر الکترونیکی همان‌طور که پیش‌ازین گفتیم این حسن را دارد که شناسایی و اجر بر اساس کنوانسیون نیویورک را سهل‌تر می‌کند.

۵- تاریخ و محل صدور رأی:^۲

با استناد به بند ۳ ماده ۳۰ قانون داوری تجاری ایران رأی داوری باید حاوی تاریخ و محل داوری باشد. تاریخ یک رأی در داوری بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا تعیین می‌کند که آیا رأی داور در مهلتی که به داوران داده شده است صادر گردیده است یا خیر؟ با این وصف تاریخ رأی می‌تواند نقش مبنایی برای محاسبه بازده زمانی برای اصلاح،^۳ اعتراض و استیناف از یک رأی^۴ و در برخی از حوزه‌های قضایی برای اجرای آن ایفا نماید. حال آنکه در داوری داخلی آغاز و پایان مواعد، غالباً، ارتباطی با تاریخ صدور رأی پیدا نمی‌کند. به علاوه، در سرزمین‌هایی که پذیرش بهره را در فرهنگ ملی خود پرورانده‌اند، راهنمایی جهت محاسبه بهره قرار می‌گیرد (Muigai, 2015, 113) و مهم‌تر از همه از زمانی که یک رأی صادر می‌شود از همان تاریخ صدور

^۱ بند ۱ ماده ۲.

^۲ موضوع دیگری که گروه کاری آنسیترال به بحث و گفتگو پیرامون آن پرداختند این مسأله بود که آیا ضروری است که همانند مکان رأی داوری که مقرره ای بدان اختصاص داده شده و مکان رأی را همان محل داوری دانسته مقرره ای نیز راجع به تاریخ رأی پیش بینی گردد؛ اما این مذاکره پاسخ مثبتی نداشت و سرانجام چنین احتمالی در خصوص تاریخ رأی مورد انکار قرار گرفت. رجوع کنید به Report of the Working Group of International Contract Practices on the Work of it's Third Session, A/CN.9/216, at p.79. Available: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/V82/252/94/PDF/V8225294.pdf?3/4/2016>.

^۳ See: England Arbitration Act Art 57(4).

^۴ See: England Arbitration Act Art 70(3).

جز در استثنائات مربوط به اقدامات بعد از صدور رأی (تفسیر، تصحیح، تکمیل) از اعتبار امر مختومه^۱ برخوردار است و بعدازآن داور را مجالی برای مداخله مجدد نیست. متنها علی‌رغم اهمیت ذکر تاریخ، در اکثر قوانین داوری داخلی و بین‌المللی و غالب قواعد داوری نهادی ضمانت اجرایی برای عدم ذکر آن بیان نگردیده است.

برخلاف مکان تعیین‌شده در رأی، تاریخ رأی می‌تواند مورد تکذیب طرفین واقع شود؛ و برخلاف مقررده امضای رأی عدم بیان تاریخ رأی نمی‌تواند منجر به بطلان آن گردد. (Sarcevic, 1989, 164)

علاوه بر عناصر محتوایی فوق‌الذکر، محل داوری نیز بایستی در رأی قید شود. در تعیین محل داوری^۲ نیز قبل از هر چیز توافقی طرفین ملاک عمل قرار می‌گیرد در صورت فقدان توافق از جانب اصحاب دعوی دیوان داوری یا نهاد داوری مربوطه ایفای چنین نقشی را عهده‌دار می‌شود. همان‌طور که از عبارات گویای قانون‌گذار ایرانی در بند (۱) ماده ۲۰ قانون داوری تجاری و بیان روشن و صریح ماده ۱۸ قواعد آنستیرال استنباط می‌شود. تفاوت بارز قانون داوری ایران و قواعد آنستیرال در خصوص تعیین محل را می‌توان در ملاک‌های تعیین محل توسط داور یا دیوان دانست. به این بیان که قواعد داوری آنستیرال صراحتاً از یک معیار یعنی «اوضاع و احوال موضوع مورد اختلاف» سخن می‌گوید حال‌آنکه قانون‌گذار ما علاوه بر معیار مذکور، سهولت دسترسی طرفین را نیز مدنظر خود قرار داده است؛ و فرق بارز دیگر این‌که در قواعد آنستیرال قانون‌گذار از عبارت

^۱ See: France New Code of Civil Procedure Art (1476).

^۲ تعیین مقر داوری بهر نحوی که صورت بگیرد لزوماً بدین معنی نیست که تمامی جلسات نیز در آنجا برگزار گردد. همان‌طور که تقریباً همه قوانین و قواعد داوری تصریح نموده‌اند که جلسات داوری می‌تواند در یک مکانی متفاوت از مقر داوری تشکیل شود. در واقع باید یک تفاوتی بین مقر داوری، مکان استماع جلسات و محل صدور رأی ترسیم کرد. درحالی‌که اولین عنصر معمولاً تعیین‌کننده قانون‌شکلی حاکم بر داوری است عنصر دومی هیچ تأثیر مستقیمی بر داوری ندارد. مکانی هم که رأی در آن صادر می‌شود مطابق با نظام‌های حقوقی مختلف از اهمیت متفاوتی برخوردار است. (Tao, 2008, 99).

از منظر دیگر بایستی محل صدور رأی را از محل امضای آن متمایز ساخت. از آنجاکه داوران اغلب محل اقامتشان در محل یا کشورهای مختلف است و معمولاً دارای ملیت‌های متفاوتی هستند، لاقلاً از نظر اقتصادی به‌صرفه‌تر است که عمل امضای رأی در محل‌های متفاوتی واقع شود. مقر داوری عامل قطعی تعیین‌کننده تابعیت رأی‌یست (Schafer; Herman Verbist & Christophe Imhoos, 2005, 121 که خود این ملیت نتایج قابل توجهی به همراه دارد از جمله این‌که قانون ملی قابل‌اعمال بر فرایند رسیدگی را معین می‌کند. دوم، مقام صلاحیت‌دار جهت رسیدگی به دعوی اعتراض و رژیم ذی‌ربط جهت اجرای رأی را تعیین می‌نماید. سوم، عنصری تعیین‌کننده در قابلیت اعمال کنوانسیون نیویورک قرار می‌گیرد. (شیروی، ۱۳۹۲، ۲۶۴).

پایانی «مفروض است که محل صدور رأی داوری، همان مقر داوری است» یادکرده است حال آنکه چنین بیانی در قانون داوری ایران از قلم افتاده است.

درواقع هر داوری نیاز به یک مکان دارد؛ و بیش از یک مکان داوری نمی‌تواند وجود داشته باشد. مکان یا مقر داوری حوزه‌ای است که در آن داوری به صورت حقوقی اتفاق می‌افتد. این مکان متضمن تبعات حقوقی قابل توجهی است (Gusy, 2011, 141) لذا لازم است که در صورت فقدان توافق طرفین در این باره، در اولین فرصت ممکن نسبت به تعیین آن اقدام شود.

۶- انتشار

از جمله قواعدی که در این خصوص ادبیات گسترده‌ای را تشکیل می‌دهد قواعد داوری آنسیترال را می‌توان نام برد. بند (۵) ماده ۳۴ این قواعد اعلان می‌دارد: «رأی داوری می‌تواند با رضایت هر دو طرف برای عموم منتشر گردد. یا در صورتی که و تا جایی که افشای رأی به وسیله‌ی هریک از طرف‌ها، برای حفظ حق یا تعقیب قانونی و یا در ارتباط با دعوای مطروحه در دادگاه یا هر مرجع صالح دیگری لازم باشد می‌توان رأی را برای همگان منتشر نمود». مطلب نهفته در این بند از ماده حکایت از این امر دارد که تعهد محرمانه بودن و نگه‌داشتن داوری، تعهدی مطلق نیست و همواره امکان دارد که با استثنائاتی برخورد نماید. همان‌طور که از این ماده استنباط می‌گردد یک رأی می‌تواند حتی بدون رضایت طرفین به‌طور مشروع و قانونی راه خود را در عرصه‌ی عموم پیدا نماید. به بیانی دیگر مطابق این قواعد علاوه بر توافق طرفین، حکم قانون و دستور مرجع صالح نیز می‌تواند حکم انتشار رأی را تجویز کند.

در حقوق داخلی و بین‌المللی ایران نصی در مورد محرمانه داشتن داوری و عدم انتشار احکام و سایر تصمیمات دیده نمی‌شود اما به نظر می‌رسد بتوان گفت علت فقدان اشاره به این امر به دلیل بدیهی بودن این امر است. اما اگر ضرورت حمایت از حق طرفین در قبال اشخاص ثالث وجود داشته باشد و یا دلایلی که انتشار رأی را موجه جلوه دهد باید تعهد محرمانه بودن به نفع انتشار احکام کنار گذاشته شود.

بدیهی است که باید در هر موردی پیش از انتشار یک رأی احتیاطات خاصی رعایت شود. مثلاً زمانی که هنوز احزاب در جریان مرافعه قرار دارند رأی نیاستی منتشر گردد. به علاوه، آن دسته از اطلاعاتی که برای فهم حکم داوری ضرورتی ندارد بهتر است که منتشر نگردد از جمله این اطلاعات می‌توان نام طرفین دعوی و اشخاص ثالث و در برخی موارد تاریخ مربوط به بازار سهام و

Gaillard; Yas Banifatemi & International Arbitration زد اطلاعات مالی و اقتصادی را مثال زد (Institute, 2008, 60).

۷- ابلاغ رأی

اکثر قوانین و قواعد داوری صرف‌نظر از واژگانی که برای بیان منظور خویش استعمال می‌کنند (از قبیل تحویل، ارسال، ابلاغ، اعلام^۱) حاوی مقرراتی در مورد فواید ابلاغ می‌باشند. فواید ابلاغ به بیان این حقایق برمی‌گردد که علاوه بر آگاهی طرفین از مفاد رأی به‌وسیله ابلاغ، بازده زمانی لازم برای درخواست تفسیر و اصلاح^۲ و همچنین اعتراض به رأی^۳ معمولاً، از تاریخ ابلاغ آن به طرفین آغاز می‌شود. به علاوه دوره زمانی که در خلال آن طرف ناراضی از رأی می‌تواند از دادگاه تقاضای بطلان^۴ آن را نماید و از سوی دیگر محکوم‌له می‌تواند جهت به رسمیت شناساندن و اجرای آن اقدام نماید از تاریخ ابلاغ آن به طرفین آغاز می‌گردد؛^۵ اگرچه اکثر این قوانین متضمن بیان خاصی در خصوص معنای ابلاغ نیستند اما تقریباً تمامی آن‌ها بیان می‌کنند که طرفین باید رأی اصلی را که به امضای داور یا داوران رسیده و یا نسخه‌های تهیه شده آن را دریافت دارند.^۶

ابلاغ رأی زمانی صحیح فرض می‌شود که به‌صورت کتبی انجام شود. بدیهی است که اعلام شفاهی رأی وجهه حقوقی ندارد. تکلیف ابلاغ رأی بر عهده دیوان داوری یا نهاد اجرایی است که داوری تحت نظارت و سرپرستی او انجام می‌شود.

¹ Delivery.

² Transmission.

³ Communication.

⁴ Notification.

⁵ Iran International Commercial Arbitration Art 32 (1), the 1998 Belgian Arbitration Statute (new Art. 1702 bis of the Judicial Code, Singapore International Arbitration Centre Rule's Art 28(2). for example.

⁶ the 1998 Belgian Arbitration Statute (new Art 1703"2" bis of the Judicial Code). for example

⁷ Iran International Commercial Arbitration Art 33 (3), the 1998 Belgian Arbitration Statute Art 1707(1),

^۸ در خصوص داوری‌های داخلی نگاه کنید به مواد ۴۸۸ و ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی.

^۹ ماده ۳۰ قانون داوری تجاری ایران اشعار می‌دارد: پس از امضای رأی، رونوشت آن باید به هریک از طرفین ابلاغ شود و در مورد این که کیفیت و نحوه این ابلاغ باید چگونه صورت بگیرد سخنی به میان نمی‌آورد؛ اما سکوت قانون‌گذار ایرانی راجع به این مطلب با قرینه‌های همراه است و آن چیزی جز ماده ۳ این قانون نیست. در این ماده چنین آمده است: «در صورتی که بین طرفین راجع به نحوه و مرجع ابلاغ اوراق مربوطه به داوری توافقی صورت نگرفته باشد، به یکی از طرق زیر عمل خواهد شد: الف- در داوری سازمانی، نحوه و مرجع ابلاغ اوراق مطابق مقررات سازمان مزبور خواهد بود.

ب- داور می‌تواند رأساً نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص کند و بر اساس آن اوراق داوری را برای طرفین ارسال دارد

اما در طی چه مدتی باید این وظیفه از جانب مکلفین آن ادا شود.^۱ در قانون داوری تجاری و بسیاری دیگر از مقررات زمان خاصی برای انجام چنین کار پیش‌بینی نشده است. سکوت قوانین را می‌توان به بدهت فوری بودن انجام این وظیفه تفسیر نمود.^۲

۸- ثبت

در برخی قوانین همانند قانون داوری آمریکا،^۳ آیین دادرسی مدنی فرانسه،^۴ قانون قضایی بلژیک،^۵ ثبت رأی یک مقرر الزامی در نظر گرفته شده و دیوان داوری را موظف دانسته که نسبت به ثبت رأی در نزد دادگاه ملی اقدام نماید. چنین مقرره‌ای در قانون داوری تجاری وجود ندارد اما در بند (۷) ماده ۳۲ نسخه بازمینی نشده آنسیترال چنین آمده بود: «در صورتی که رأی در کشوری صادر شود که طبق قانون داوری آن کشور رأی باید ثبت و بایگانی گردد، دیوان داوری باید مراتب امر را در موعد مقرر در قانون انجام دهد»؛ اما در نسخه جدید این قواعد گروه کاری اعلام کردند که بدهت این مسئله که - دیوان داوری بایستی مقررات آمر قانون داوری مربوطه را رعایت کند - به حدی است که نیازی به وجود چنین مقرره‌ای احساس نمی‌شود از این رو بایستی حذف گردد (Noppert, 2012, 138).

از نمونه‌های یاد شده برمی‌آید که ثبت رأی به‌عنوان یک قاعده‌ی عام شناخته‌نشده و بهترین معیار برای انجام آن مراجعه به قانون شکلی محل داوری است.

گفتار سوم: آثار صدور

^۱ ؟ پاسخ به این سؤال مذاکره کنندگان مقررات داوری آنسیترال ۱۹۷۶ را به تفکر واداشت. در این مذاکره عده ای پیشنهاد کردند که یک محدوده زمانی قاطع و صریحی از یک تعداد معینی از روزها در نظر گرفته شود چرا که این امر به قواعد آنسیترال اطمینان اعطا می‌کند. دیگران احساس کردند که یک بیان صریح انعطاف ناپذیر است لذا نظر دادند که وظیفه ابلاغ رأی با یک اصطلاح «بدون تأخیر» و یا «بدون تأخیر غیر ضروری» همراه شود. نهایتاً کسی با این اظهار نظرها موافقت نکرد لذا تصمیم نهایی براین امر استوار شد که این قواعد نباید متضمن توصیف‌های زمانی در خصوص وظیفه ابلاغ رأی گردد. رجوع کنید به-UNCITRAL, 9th Session, UN Doc A/CN.9/9/C.2/SR.11.n.96,Paras55-58,62,64. Available at: <http://www.uncitral.org/pdf/english/travaux/arbitration/1976Arbitration/ACN99C2SR11.pdf.20/4/2016>.

^۲ Art 28 (1).

^۳ Art. 27 (6).

^۴ Art. (1477).

^۵ Art 1702 (2).

زمانی که رأی با رعایت اصول و موازین قانونی صادر شود آثاری را به همراه خواهد داشت که در ذیل به بیان هریک خواهیم پرداخت.

۱- قطعی بودن رأی:

این اثر که در ماده ۳۵ قانون داوری تجاری ایران نیز از آن یاد شده به این معنا است که آرای داوری برخلاف آرای دادگاه‌ها که در معرض تجدیدنظرخواهی و رسیدگی مجدد قرار دارند به پیمودن این مراحل نیازی ندارند و فقط در موارد احصا شده قانونی قابل اعتراض و ابطال می‌باشند. مستفاد از این ماده، یک رأی داوری یا بایستی اجرا گردد یا اگر مبری از موارد ابطال و بطلان رأی داوری نباشد، باطل گردد. زیرا رسیدگی داوری برخلاف رسیدگی قضایی یک مرحله‌ای است و برخلاف آرای دادگاه‌ها که جریان تجدیدنظرخواهی و نقص به استقبالشان می‌رود اصولاً قابل رسیدگی مجدد نیست. زمانی هم که رأی به تقاضای یکی از طرفین توسط دادگاه قابل ابطال

^۱ ماده ۳۵ قانون مقرر می‌دارد: «به استثنای موارد مندرج در مواد ۳۳ و ۳۴ آرای داوری که مطابق این مقررات صادر می‌شوند قطعی و پس از ابلاغ لازم‌الاجراست...».

ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین المللی ایران: «۱- رأی داوری در موارد زیر به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده ۶ قابل ابطال است: الف- یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد. ب- موافقتنامه داوری به موجب قانونی که طرفین بر آن موافقتنامه حاکم دانسته‌اند معتبر نباشد و در صورت سکوت قانون حاکم، مخالف صریح قانون ایران باشد. ج- مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اظهاریه‌های تعیین داور یا درخواست داوری رعایت نشده باشد. د- درخواست کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد. ه- "داور" خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. چنانچه موضوعات مرجوعه به داوری قابل تفکیک باشد، فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات "داور" بوده، قابل ابطال است؛ و- ترکیب هیأت داوری یا آیین دادرسی مطابق موافقتنامه داوری نباشد و یا در صورت سکوت و یا عدم وجود موافقت نامه داوری، مخالف قواعد مندرج در این قانون باشد. ز- رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است. ح- رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد. ط- پس از صدور رأی داوری مدارکیافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت بشود که آن مدارک را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آن‌ها شده است.

ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین المللی ایران: «در موارد زیر رأی "داور" اساساً باطل و غیر قابل اجراست: ۱- در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد. ۲- در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد. ۳- رأی داوری صادره در خصوص اموال غیر منقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آن که در مورد اخیر "داور" حق سازش داشته باشد

است^۱ یا به هنگامی که اساساً رأی داوری باطل و غیرقابل اجراست.^۲ اگر دادگاه موارد بطلان یا ابطال را تشخیص دهد تصمیم به بطلان رأی گرفته و جز در صورتی که به نحو دیگری تراضی نشده باشد رسیدگی را از سر می‌گیرد. پیداست تصمیمی که محکمه در این مقام اتخاذ می‌کند، متصف به‌عنوان رأی دادگاه هست و نه تجدیدنظر در رأی داور.

در واقع اگر بنا باشد که رأی داوری هم بمانند آرای قضایی در معرض طرق عادی و فوق‌العاده شکایت از آرا قرار گیرد اصل سرعت رسیدگی در داوری بین‌المللی در عمل مفهوم و مقصود خود را از دست خواهد داد. در سند بین‌المللی آنستیرال بحث صریحی از قطعی بودن رأی داوری به میان نیامده منتها با توجه به این‌که بند (۲) ماده ۳۴ اجرای آن را برای طرفین الزام‌آور می‌داند و نیز با توجه به این‌که در این قواعد مقررهای با عنوان اعتراض به رأی داور پیش‌بینی نشده شاید بتوان با چنین استدلالی نظر قواعد آنستیرال را نیز بر قطعی بودن آرا حمل کرد.^۳

۲- لازم‌الاجرا بودن:

همان اثری که تقریباً در تمامی اسناد بین‌المللی از آن یاد شده و تمامی قانون‌گذاران با این عبارت "که رأی داوری نسبت به طرفین لازم‌الاجراست" درصدد تفهیم آن برآمده‌اند. به علاوه، حقوق دان بنام فرانسوی آن را هدف اصلی از انعقاد موافقت‌نامه داوری تعریف نموده‌اند. (Rubino-Sammartano, 2001, 788) آنچه وجه اشتراک تمامی عبارات قانون‌گذاران را در این باره تشکیل می‌دهد اشاره به این نکته است که حکم نسبت به اصحاب دعوی الزام‌آور است و طرفین قرارداد با ارجاع اختلافات خود به داوری در ضمن متعهد می‌شوند که حکم صادره از سوی آن‌ها را محترم دانسته و در راستای عمل به مفاد آن اقدام نمایند. چنان‌چه بند (۲) ماده ۳۴ نسخه بازرنگری شده آنستیرال در این باره مقرر می‌دارد: «تمام آرای دیوان باید صورت کتبی صادر می‌شود و نسبت به طرفین، نهایی و لازم‌الاجراست. طرفین، باید کلیه آرا را بدون تأخیر اجرا^۴ نمایند». در واقع

^۱ موضوع ماده ۳۳ ق.د.ت.ب.آ.

^۲ موضوع ماده ۳۴ ق.د.ت.ب.آ.

^۳ این چنین برداشتی به ترجمه واژه «final» به معنی «نهایی» بر می‌گردد.

^۴ نحوه اجرای رأی بسته به این‌که ما با یک رأی داوری داخلی و یا خارجی مواجه باشیم تفاوت می‌نماید، آرای مشمول باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی و احکام موضوع قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب (۱۳۷۶)، آرای هستند که در ایران قابل اجرا می‌باشند.

منتها اجرای آرای داور خارجی در ایران بر طبق سند بین‌المللی نیویورک صورت می‌گیرد. اما آنچه در هر دو صدق می‌کند، اجرای اختیاری رأی داور است. مع‌الوصف، چنان‌چه محکوم‌علیه رأی را طبعاً اجرا ننماید، در اکثر اسناد بین‌المللی از اجرای اجباری آرا سخن به میان می‌آید؛ اما ناگفته نماند که بسیاری از آرای داوری نیازی به اجرای قضایی و توسل به محاکم دادگستری برای نیل بدین مقصود ندارند چراکه معمولاً طرفین نتیجه داوری را مطلوب پنداشته و اجرای آن را محترم می‌شمارند. (Born, 1996, 1040)

اصل الزام‌آوری بودن حکم داوری را می‌توان مبتنی بر قاعده وفای به عهد دانست چراکه طرفین با توافق در ارجاع اختلاف خود به داوری متعهد می‌شوند که حکم صادره از سوی داوران را اجرا نمایند. شاید تنها تفاوتی که بین قوانین و قواعد مربوط به داوری در این خصوص یافت می‌شود به تاریخ لازم‌الاجرا بودن رأی مربوط شود. مثلاً همان‌طور که ملاحظه می‌شود عبارات بند (۲) ماده ۳۴ قواعد آنسیترال لازم‌الاجرا بودن رأی را به محض صدور مد نظر خود قرار می‌دهد حال آنکه وفق بند (۱) ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران تاریخ لازم‌الاجرا شدن رأی را بعد از ابلاغ آن به طرفین هست.

۳- ختم داوری و فراغ داور:

نگاهی بر قوانین و قواعد داوری نشان می‌دهد که محصول نهایی رسیدگی در داوری، رأی نهایی است. چنان چه با صدور این رأی ختم رسیدگی^۱ اعلان می‌گردد؛^۲ اما آنچه وجه اشتراک بسیاری از این قواعد و مقررات داوری را تشکیل می‌دهد، پذیرش این عقیده است که با صدور رأی کار داوری خاتمه می‌یابد، اما منحل نمی‌شود^۳ چراکه در این قوانین مواردی پیش‌بینی شده که با وجود صدور حکم، داور حق دارد اقداماتی را در خصوص آن دعوی انجام دهد. این موارد عبارت‌اند از تصحیح حکم، رفع ابهام از آن و درنهایت تکمیل آن. به طوری که تا انجام اقدامات درخواستی صدور و ابلاغ رأی اصلاحی، تفسیری و تکمیلی، دیوان داوری پابرجاست و با انجام این اقدامات اخیر است که هیات داوری منحل می‌گردد.

^۱ ماده‌ی ۳۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مقرر می‌دارد: «رسیدگی داوری با صدور رأی نهایی به موجب دستور "داور" در موارد زیر خاتمه می‌یابد: ۱- استرداد دعوا توسط خواهان مگر این که خواننده بدان اعتراض نماید و "داور" برای وی منافع قانونی و موجهی در حل و فصل نهایی اختلاف احراز نماید. ۲- عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگی به دلیل دیگر به تشخیص "داور". ۳- توافق طرفین در ختم رسیدگی».

^۲. See: the 1996 Brazilian Arbitration Act (Art. 29), the 1997 German Arbitration Statute (Art. 1056(1) of the ZPO), the 2005 Malaysia Arbitration Act 34 (1), For example.

^۳ شاهد بر این مدعا را می‌توان بند (۲) ماده ۱۰۵۸ قانون داوری هلند گرفت که صراحتاً در این باره مقرر می‌دارد: «مأموریت دادگاه داوری به محض تسلیم آخرین حکم به دفتر دادگاه با رعایت مقررات مواد ۱۰۶۰ (در رابطه با اصلاح و تصحیح حکم) و ۱۰۶۱ (در رابطه با احکام تکمیلی) پایان می‌پذیرد».

^۴ دادگاه نیز ممکن است پس از صدور حکم تحت عنوان تصحیح رأی، رفع ابهام و یا اجمال از آن، همین‌طور در پی اعتراض محکوم علیه غایب و یا اعتراض اشخاص ثالث و یا اعاده‌ی دادرسی به دعوایی که منتهی به صدور حکم گردیده، تحت شرایطی، مجدداً اشتغال یابد.

۴- اعتبار امر مختومه:

احکام قطعی دادگاه‌ها به استناد بند (۶) ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی با وجود وحدت موضوع، اصحاب دعوا، و به عقیده بسیاری از نویسندگان با وحدت سبب (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۱۶۷-۱۶۶) از اعتبار امر مختومه برخوردارند.

اما آیا حکم داور نیز از این اعتبار برخوردار است؟ به نظر می‌رسد اگر از عقیده گروهی که نظر دارند؛ حدود و وسعت و صلاحیت دادگاه‌ها تأثیری در اعتبار حکم ندارد و چنان چه تصمیمات اتخاذ شده شرایط و استحکام رأی را دارا باشد می‌تواند از این امتیاز بهره برد، (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۱۰۶) پیروی کنیم به راه ناصوابی نرفتیم؛ زیرا اگر این اعتبار را یک قاعده بدانیم عدم اجرای آن مستلزم نص صریح خواهد بود. در خصوص آرای داوری بایستی گفت هر چند ماده صریح قانونی که چنین اعتباری به رأی داوری بخشیده باشد، در دست نداریم و بند ۶ ماده ۸۴ نیز تنها احکام دادگاه‌ها را دارای اعتبار مزبور می‌داند ولی با کاربست عقل سلیم و منطق حقوقی خواهیم دریافت که عدم پذیرش چنین اعتباری برای آرای داوری با بی‌فایده تلقی نمودن رجوع به داوری و عدم ترتب اثر بر رأی داور برابری می‌کند؛ زیرا این امر معنایی جز مراجعه مجدد دادباخته رأی داوری به محاکم دادرسی و اخذ حکم دیگری که چه بسا امکان دارد به ضرر محکوم‌له این رأی باشد، ندارد. از این رو، می‌توان اظهار داشت که رأی به کار آن دسته از اختلافاتی که به داوری ارائه شده پایان می‌بخشد. از این رو، اگر یکی از طرفین قصد داشته باشد که در مورد تصمیم داور نزد دادگاه صلاحیت‌دار اقامه دعوی نماید در حالی که سبب دعوی همان سبب قبلی باشد، دادگاه بر پایه این که موضوعات، قبلاً داوری شده و واجد خصیصه اعتبار امر قضاوت شده گردیده درخواست مزبور را رد خواهد نمود. البته این امر در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که رأی داور در طی پروسه بطلان یا به هر دلیل دیگری کنار گذارده نشده باشد.

نتیجه‌گیری

حکم داوری عبارت است از تصمیم دیوان داوری در خصوص تمام یا بخشی از رسیدگی که در سند کتبی قید و به مأموریت دیوان داوری خاتمه می‌دهد. در داوری همانند دادرسی در فرآیند رسیدگی تصمیمات متفاوتی از سوی مرجع مربوطه اتخاذ می‌شود که اطلاق رأی بر تمامی آن‌ها ممکن نیست. بحث راجع به ماهیت دعوا و تعیین تکلیف نهایی در خصوص موضوع متنازع‌فیه را می‌توان معیاری جهت تشخیص رأی از سایر تصمیمات اتخاذ دیوان قرار داد. در داوری بین‌المللی آرای دیوان همانند آرای محاکم قضایی انواع مختلفی دارد. برخلاف قانون داوری تجاری بین‌المللی

که از تصریح اختیار دیوان برای صدور انواع رأی امتناع ورزیده و تنها از روح حاکم بر مواد این قانون چنین اختیاری برداشت می‌شود قواعد داوری آنسیترال صراحتاً مقرر کرده که دیوان می‌تواند آرای جداگانه در خصوص موضوعات گوناگون در زمان‌های گوناگون صادر نماید.

طرفین اختلاف ممکن است که در موافقت‌نامه داوری شرایط شکلی و محتوایی خاصی را برای رأی داوری مقرر دارند هرچند که در فقدان توافق‌نامه داوری این شرایط بر اساس مقررات حاکم بر فرآیند داوری تعیین می‌شوند. نگاهی بر اسناد بین‌المللی و قواعد و مقررات موجود در زمینه داوری چنین نمایان می‌سازد که این شرایط معمولاً حالت استاندارد یافته و در کشورهای گوناگون کم‌وبیش یکسان‌اند. در تطبیق قانون داوری ایران با قواعد آنسیترال نیز می‌توان شاهد شباهت مقررات این دو سند بین‌المللی در این راستا بود اما این سخن به معنای نفی تفاوت‌های این دو سند نیست. چنان چه برخلاف سکوت قانون داوری ایران در خصوص جواز انتشار یا عدم انتشار آرای داوری، قواعد آنسیترال تصریح نموده که رأی می‌تواند با رضایت طرفین و یا حتی بدون رضایت آن‌ها ولی به‌طور مشروع و قانونی راه خود را در عرصه‌ی عموم پیدا نماید و با این بیان نشان داده که تعهد محرمانه نگه‌داشتن داوری تعهدی مطلق نیست. و یا این‌که برخلاف قانون داوری که فاقد مقرره‌ای در خصوص هزینه‌های یک رأی است قواعد آنسیترال حاوی مقررات جامع و کاملی در این‌باره هست هرچند که می‌توان خلأ موجود در قانون داوری ایران را با توسل به مقررات آیین دادرسی مدنی در خصوص هزینه‌ها پر نمود. این شرایط شکلی و محتوایی رأی چنان چه که رعایت شود باعث می‌شود رأی داور همانند احکام ترافع یدادگاه‌ها از اعتبار امر مختومه و قابلیت اجرایی شدن برخوردار باشد. در نتیجه به محض صدور رأی سالم و قابل اجرا اختلاف طرفین فیصله یافته و مأموریت داوران خاتمه می‌یابد و دادگاه‌ها از مداخله و رسیدگی مجدد به موضوع منع می‌گردند.

با عنایت به آنچه گفته شد پیشنهاد می‌گردد در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، ماده‌ای به ارائه تعریفی دقیق و جامع از رأی و انواع متعدد آن، اختصاص یابد. اختیار دیوان در صدور آرای مختلف داوری مورد تصریح قرار گیرد تا بد بین ترتیب، زمینه اختلافات نسبت به صلاحیت دیوان داوری جهت صدور انواع متعدد آرا از بین برود. شاید بتوان تعریفی به شرح زیر برای رأی داوری ارائه داد: رأی داوری تصمیم نهاد داوری در خصوص تمام یا بخشی از موضوع رسیدگی است که باید طی مدت مناسبی صادر و در سند کتبی قید شود. در خصوص هزینه‌ها هم پیشنهاد می‌گردد که قانون داوری تجاری بین‌المللی به‌عنوان یک قانون نوظهور در زمینه داوری تجاری بین‌المللی نصی پیش‌بینی نماید تا جهت رفع خلأ موجود در این‌باره بی‌نیاز از رجوع به مقررات آیین دادرسی مدنی

گردد. برای نمونه قانون داوری بازرگانی در ضمن یک ماده جامع یا چندین ماده گوناگون (درخصوص تعیین هزینه، تسهیم هزینه، تعیین حق الزحمه) بیان کند دیوان داوری مکلف است هزینه های داوری را مطابق جدول تعرفه ای که از قبل تنظیم شده، تعیین نماید. در خصوص تسهیم هزینه‌ها نیز بیان شود که دیوان داوری مکلف است در ضمن صدور رأی داوری یا چنان چه مناسب تشخیص دهد ضمن رأی دیگری، مبلغی را که هریک از طرفین باید به طرف دیگر بپردازد، مشخص کند و برای تعیین حق الزحمه داوری نیز جدول تعرفه قانونی پیش بینی گردد.

فهرست منابع

۱. امیر معزی، احمد: داوری بازرگانی بین المللی، چاپ اول، دادگستر، تهران، (۱۳۹۲).
 ۲. جعفر لنگرودی، محمد جعفر: ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و پنجم، گنج دانش، تهران، (۱۳۹۲).
 ۳. دی ام لئو، جولیان؛ لوکاس میستلیس و استفان کرول: داوری تجاری بین المللی. ترجمه: محمد حبیبی مجنده، چاپ اول، دانشگاه مفید، قم، (۱۳۹۱).
 ۴. شمس، عبدالله: آیین دادرسی مدنی پیشرفته، جلد دوم، چاپ بیست و هفتم، دراک، تهران، (۱۳۹۱).
 ۵. شیروی، عبدالحسین: داوری تجاری بین المللی. چاپ دوم، سمت، تهران، (۱۳۹۲).
 ۶. کاتوزیان، ناصر: اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، چاپ ششم، میزان، تهران، (۱۳۸۳).
 ۷. مافی، همایون: شرحی بر قانون داوری تجاری بین المللی ایران، چاپ اول، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، (۱۳۹۴).
- ب.قوانین:

۱. قانون آیین دادرسی مدنی، (۱۳۷۹).
۲. قانون داوری تجاری بین المللی ایران، (۱۳۷۶).
۳. قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲).
4. Berger, Bernhard; Michael E. Schneider: Inside the Black Box how Arbitral Tribunals Operate and Reach Their Decisions-ASA Special Series No42. Volume 42, Juris Publishing, Inc, (2013).
5. Born, Cary: International Civil Litigation in United States: Commentary & Materials, Edition: Revised, Kluwer Law International, (1996).
6. Fouchard, Philippe; Emmanuel Gaillard, Berthold Goldman, John Savage: Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration. Emmanuel Gaillard, John Savage, Kluwer Law International, (1999).
7. Gusy, Martin F; James M. Hosking & Franz T. Schwars: A Guide the ICDR International Arbitration Rule's. Oxford University Press, (2011).
8. Gaillard, Emmanuel; Yas Banifatemi & International Arbitration Institute: Precedent in International Arbitration. Juris Publishing, Inc, (2008).
9. Kronke, Herbert: Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards: A Global Commentary on the New York Convention. Kluwer Law International, (2010).
10. Khodykin, Roman: Arbitration Law of Russia: Practice and Procedure. Juris Publishing, Inc, (2013).
11. Moses, Margaret L: The Principles and Practice of International Commercial Arbitration, United States of America, Cambridge University, (2008).
12. Muigai, Githu: Arbitration Law and Practice in Kenya. LawAfrica Publishing Ltd, (2015).

13. Noppert, Sophie: Commentary on the Uncitral Arbitration Rule's 2010: A Practitioners Guide. Juris Publishing, Inc, (2012).
14. Rubino-Sammartano, Mauro: International Arbitration Law and Practice, Second Edition, Kluwer Law International, Netherlands, (2001).
15. Redfern, Alan. Law and Practice International Commercial Arbitration, Edition: Reprint-Revised, Sweet & Maxwell, (2004).
16. Sarcevic, Petar: Essays on International Commercial Arbitration. Brill, (1989).
17. Schafer, Erik; Herman Verbist & Christophe Imhoos: Icc Arbitration in Practice., Edition: Illustrated, Kluwer Law International, (2005).
18. Tao, Jingzhou: Arbitration Law and Practice in China, Edition: Revised, Kluwer Law International, (2008).
19. Weigand, Frank- Bernd: Practitioner's Handbook on International Commercial Arbitration, Second Edition, Oxford University Press, New York, (2009).
20. B: Conferences:
21. United Nations Conference on Trade and Development. "Making Award and Termination of Proceedings". United Nations, New York & Geneva, (2005). Available at: <http://unctad.org/en/docs/edmmisc232add41-en.pdf>, accessed on: 30/4/2016.
22. C: Reports:
23. Report of the Working Group on International Contract Practices On the Work of its Seventh Session, A/CN.9/246. Available at:
24. http://www.uncitral.org/uncitral/en/commission/working_groups/2Contract_Practice_s.html. accessed on: 25/4/2016.
25. Report of the Working Group of International Contract Practices on the Work of its Third Session, A/CN.9/216. Available at: http://www.uncitral.org/uncitral/en/commission/working_groups/2Contract_Practices.html. accessed on: 23/4/2016.
26. United Nations Commission on International Trade Law, Ninth Session, (New York, 19 April 1976) (A/CN.9/9/C.2/SR.11). Available at:
27. <http://www.uncitral.org/pdf/english/travaux/arbitration/1976Arbitration/ACN99C2SR11.pdf>. accessed on: 20/4/2016.
28. Report of the Secretary-General, Analytical Commentary on Draft Text of a Model Law on International Commercial Arbitration, A/CN.9/264. Available at:
29. <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/V85/244/18/PDF/V8524418.pdf?>, accessed on: 25/4/2016.
30. D. Rules:
31. Arbitration Rules of the Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce, (2010), Available at:
32. http://www.sccinstitute.com/media/40120/arbitrationrules_eng_webbversion.pdf, accessed on: 4/5/2016.
33. Arbitration Rules of the Singapore International Arbitration Centre, (2013), Available at:
34. http://www.siac.org.sg/our-rules/rules/siac-rules-2013#siac_rule37., accessed on: 4/5/2016.
35. Brazilian Arbitration Act, (1996), Available at: <http://www.jus.uio.no/lm/brazil.arbitration.law.no.9.307.1996/doc.html>, accessed on: 16/4/2016.
36. Belgium - Code Judiciaire, (1998), Available at: <http://www.jus.uio.no/lm/belgium.code.judicature.1998/toc.html>,
37. English Arbitration Act, (1996), Available at:
- 38.

39. <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1996/23/contents>, accessed on:16/4/2016.
40. France-Code of Civil Procedure, (1981), Available at:
41. <http://www.jus.uio.no/lm/france.arbitration.code.of.civil.procedure.1981/doc.html>, accessed on:16/4/2016.
42. German Arbitration Statute, (1998), Available at:
43. <http://www.arbitrations.ru/userfiles/file/Law/Arbitration%20acts/German>, accessed on:13/4/2016
44. Malaysia Arbitration Statute, (2005), Available at:
45. <http://www.agc.gov.my/Akta/Vol.%2013/Act%20646.pdf>, accessed on:13/4/2016.
46. Netherlands - Arbitration Act 1 December 1986 Code of Civil Procedure - Book Four: Arbitration Netherlands, Available at:
47. <http://www.jus.uio.no/lm/netherlands.arbitration.act.1986/>, accessed on: 29/3/2016.
48. Pakistan-Rules of Conciliation and Arbitration, (2009), Available at:
49. http://www.pec.org.pk/downloadables/PEC_Bidding_Docs/4mPICC/Rules%20of%20Conciliation%20and%20Arbitration.pdf, accessed on: 29/3/2016.
50. Swiss Rules of International Arbitration, (2012), Available at: https://www.swissarbitration.org/sa/download/SRIA_english_2012.pdf, accessed on:12/3/2016.
51. UNCITRAL Arbitration Rules, (1976), Available at:
52. <http://www.uncitral.org/pdf/english/texts/arbitration/arb-rules/arb-rules.pdf>, accessed on:12/3/2016.
53. UNCITRAL Arbitration Rules, (2010), Available at:
54. <http://www.uncitral.org/pdf/english/texts/arbitration/arb-rules-revised/arb-rules-revised-2010-e.pdf>, accessed on:12/3/2016.
55. 14UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration, (1985), (as amended in 2006), Available at:
56. http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/arbitration/1985Model_arbitration.html, accessed on:12/3/2016.
57. E.Conventions:
58. International Centre for Settlement of Investment Disputes(ICSID) Convention, Available at:
59. https://icsid.worldbank.org/ICSID/StaticFiles/basicdoc/CRR_English-final.pdf, accessed on:12/3/2016.
60. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, (1958), Available at: http://www.uncitral.org/pdf/english/texts/arbitration/NY-conv/XXII_1_e.pdf, accessed on:12/3/2016.
61. F.Web Resonrces:
62. Halli,Fatmir;Sheqir Kutllovic." Award of International Commercial Arbitration". Available at: <http://ssrn.com/abstract=2488133>, accessed on:9/4/2016.
63. Stippl,Christoph;Veit Ohlberger." Rendering of the Award by Multipartite Arbitral Tribunals How to Overcome Lack of Unanimity?". Available at:
64. http://www.dbj.at/sites/default/files/rendering_of_the_award_by_multipartite_2008_0.pdf, accessed on:12/3/2016.
65. Van Den Berg,Albert Jan." Dissenting Opinions by Party –Appointed Arbitrators in Investment Arbitration". Available at:http://www.arbitration-icca.org/media/0/12970228026720/van_den_berg--dissenting_opinions.pdf, accessed on:12/3/2016.